

خشونت در روابط عاشقانه: مروری سیستماتیک

منا صمدزاده^۱، خدابخش احمدی^{۲*}، علیرضا کیامنش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱ صص: ۱۷۶-۱۵۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳

چکیده

مطالعه حاضر با هدف شناخت علل خشونت در روابط عاشقانه با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک انجام شد. این موضوع از آن جایی اهمیت پیدا می‌کند که خشونت در روابط زناشویی اگرچه تأثیرات مخرب و بلند مدتی دارد، معمولاً از سوی زوجین نادیده گرفته می‌شود. این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه است و با توجه به روش اجرا مرور سیستماتیک تلقی می‌شود. جامعه آماری پایگاه‌های اطلاعاتی و مطالعاتی است که از جوانب مختلف به موضوع پرخاشگری زوجین در بازه‌ی زمانی ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸ میلادی پرداخته‌اند. بر اساس معیار جداد، مطالعاتی که نمره ۳ و یا بیشتر گرفتند وارد مطالعه شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شد. در نهایت ۶۴ کارآزمایی شامل ۲۵ مقاله ایرانی و ۳۹ مقاله خارجی که دارای معیار ورود به مطالعه بودند، بررسی شدند. نتایج چهار گروه عامل اصلی را نشان داد، که عبارتند از: عوامل «فردی» که افراد با خود به رابطه می‌آورند (مانند، مشاهده‌ی پرخاشگری در دوران کودکی)، عوامل مربوط به «بافت تعاملی زوجین» و یا «عوامل بین فردی» (مانند، اختلاف در قدرت، جنسیت‌گرایی، الگوهای ارتباطی، دلبستگی و سلطه طلبی)، سوم، عوامل «غیرفردی» هستند (مانند سطح تحصیلات، سن و مشکلات مالی و اقتصادی، روابط فرا زناشویی، چندهمسری)، که بیشتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی بوده است. مطابق با نتایج، مطالعه حاضر با روش مرور سیستماتیک به سه دسته از عوامل «فردی»، «بین فردی»، و «غیرفردی» اشاره کرد که مقالات مختلف در تبیین پرخاشگری به آن پرداخته‌اند، در نتیجه می‌توان گفت نقش عوامل ساختاری و کارکردی در تبیین پرخاشگری زوجین در مطالعات خالی است و نیاز به تلاش آتی دارد.

واژه های کلیدی: «پرخاشگری»، «خشونت عاشقانه»، «زوجین»، «مرور سیستماتیک»

^۱ دانش آموخته‌ی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۲ دانشیار مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول مقاله: kh_ahmady@yahoo.com

مقدمه

هیجان به مثابه یک عامل سازمان‌دهنده اصلی تجربیات درونی و عنصر کلیدی در روابط عاشقانه است. تبادلات و پویایی‌های هیجانی که در روابط زوجین اتفاق می‌افتد زوجین را به حرکت در آورده و پاسخ‌های جدیدی در تعاملات اصلی آنان ایجاد می‌کنند که منجر به تغییر و شکل‌دهی تعامل بعدی می‌شود. شدیدترین هیجانات ما زمانی برانگیخته می‌شوند که با شخصی رابطه دلبستگی داشته باشیم. در واقع این هیجانات هستند که چگونگی ارتباط ما با دیگران، و حتی نیازها و انگیزه‌های ما را تعیین می‌کنند. در واقع هیجانات آهنگ رقص دلبستگی هستند (Johnson, 1996). انسان‌ها طبیعتاً در جست‌وجوی عشق و روابط با دیگران هستند، این همان طریقی است که ما پیشرفت کرده و خودمان را می‌شناسیم. چنین عشقی از ما حمایت می‌کند و به ما پناهگاهی و مبنای مطمئنی را پیشنهاد می‌دهد که از طریق آن جهان را کشف کنیم. یکی از مهمترین هیجانات فراگیری، که نقش بسزایی در روابط زوجین دارد و از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان و روانشناسان مختلف بوده است، خشم است (Averill, 1990). اساس خشم این عقیده است که اوضاع آن گونه که باید باشد، نیست؛ مانع، اختلال یا انتقاد ناموجه هستند. علاوه بر این، خشم پرشورترین هیجان است. آدم خشمگین، قوی‌تر و نیرومندتر می‌شود. خشم احساس کنترل افراد را افزایش می‌دهد (Lerner & Keltner, 2001). خشم افراد را نسبت به بی‌عدالتی دیگران حساس‌تر می‌کند و مبارزه و احساس کنترل، به سمت غلبه کردن بر مانع ناموجه یا اصلاح کردن آن هدایت می‌شوند.

خشم نه تنها پرشورترین هیجان، بلکه خطرناک‌ترین هیجان نیز هست، به طوری که هدف آن نابود کردن موانع در محیط است. تقریباً نیمی از رویدادهای خشم، فریاد کشیدن یا جیغ کشیدن را شامل می‌شود، و نزدیک به ۱۰ درصد رویدادهای خشم به پرخاشگری منجر می‌شود (Tafate & al, 2002). خشمی که در روابط زوجین با رفتارهای پرخاشگرانه نمود پیدا می‌کند، از آن به عنوان «خشونت عاشقانه» و یا «خشونت خانگی» یاد می‌شود. از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ که خشونت عاشقانه (IPV) به عنوان یک دغدغه‌ی اجتماعی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، روان‌شناسان گمان می‌بردند که معدودی از خانواده‌ها، به‌خصوص آن‌ها که مشکلات مادی دارند و از نظر فرهنگی در سطح پایینی هستند، یا آن‌ها که در شرایط بحرانی مانند طلاق و جدایی قرار دارند، به بدرفتاری با اعضای خود دست می‌زنند. اما نتایج تحقیقات مشخص کرد که برخلاف تصورات رایج تنها خانواده‌های مسئله‌دار به خشونت متوسل نمی‌شوند، بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم با اعضای خود بدرفتارند (Ezazi, 2002). به عبارت دیگر، مطالعات نشان می‌دهد

¹ Intimacy Violence Partner

² Domestic violence

که نرخ خشونت زوجی بالاست. تخمین زده شده است که ۱۴ درصد از مردان و ۲۲/۳ درصد از زنان برخی از اشکال خشونت فیزیکی شدید را از سوی شریک عاطفی خود تجربه کرده‌اند (Breiding & et al, 2011). منظور از خشونت عاشقانه، از منظر محققان حیطه‌ی خانواده، اقداماتی از قبیل هل دادن، سیلی زدن^۲ و تنه زدن از روی خشم، به عنوان «سوء استفاده» و یا «پرخاشگری فیزیکی» قلمداد می‌شود (O'Leary, 1993). در این مطالعه پرخاشگری در رابطه و خشونت زوجی به «الگوهای اجباری و رفتارهای کنترل‌گرانه‌ایی گفته می‌شود، که با هدف ایجاد آسیب جسمانی و هیجانی انجام می‌شوند». دقیق‌ترین نرخ همسرآزاری کشور مربوط به پیمایش ملی است که توسط وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ انجام شده است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از زنان ایرانی از اول زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یکبار مورد خشونت قرار گرفته‌اند (Ghazi-Tabatabaei, 2005). علی‌رغم این حقیقت که نیاز به برقراری رابطه‌ایی صمیمی و توأم با عشق از مهمترین دلایلی است که زوجین را به سمت ازدواج سوق داده و زوجین حجم بالایی از هیجانات رومانتیک را بر همسرانشان سرمایه‌گذاری می‌کنند، در عین حال این سوال مطرح می‌شود که پویایی‌های ارتباطی میان زوجین چگونه پیش می‌رود که، آنان گاهی درگیر روابط پرخاشگرانه می‌شوند؟ بنابراین با توجه به تمهیدات اشاره شده هدف اصلی مطالعه‌ی حاضر، بررسی علل و عوامل مرتبط با خشونت عاشقانه است که، از طریق بررسی و مطالعه‌ی آن چه تاکنون در تحقیقات مختلف بدست آمده است انجام می‌شود.

پرسی پژوهش

۱. علل و عوامل مرتبط با خشونت عاشقانه که مطالعات و تحقیقات مختلف به آن اشاره کرده‌اند،

کدامند؟

روش پژوهش و ابزار پژوهش

این مطالعه از نوع مطالعات کیفی تحلیل محتوا است و با توجه به روش اجرا مطالعه مرور نظام‌دار (سیستماتیک^۱) تلقی می‌شود. جامعه آماری مطالعه مقالات پژوهشی در زمینه پرخاشگری زوجین در دوره‌ی زمانی ۹۸-۱۳۸۳ (۲۰۱۸-۱۹۷۸ م) بود. برای جست‌وجوی اولیه، کلمات کلیدی شامل: خشونت خانگی، پرخاشگری زوجین، خشونت عاشقانه (IPV)، و پرخاشگری زناشویی^۵ در پایگاه‌های

¹ pushing

² slapping

³ abuse

⁴ Physical aggression

⁵ Marital aggression

اطلاعاتی: مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) و گوگل اسکالر (scholargoogle)، ساینس دایرکت (DirectScience)، ساجورنالز (SageJournals)، الزویر (Elsevier) و پروکوئست (ProQuest) در بازه‌ی زمانی آذرماه ۱۳۹۷ تا فروردین ماه ۱۳۹۸ بود. تعداد ۳۸۵ مقاله به دست آمد که از آن میان مقالاتی که به بررسی «اثربخشی»، «شیوع»، «مداخله»، «پیامدها»، و «مقایسه» پرداخته بودند، حذف شدند؛ و تعداد ۶۴ مقاله با توجه به پرداختن به عوامل موثر در بروز خشونت علیه زنان وارد مطالعه شدند. در مرحله غربالگری این معیارهای ورود در نظر گرفته شد: ۱- پژوهش کمی باشد؛ ۲- جامعه پژوهش زنان قربانی خشونت با دست کم یکبار تجربه زندگی مشترک باشد؛ ۳- به عوامل خطر/ تعیین کننده/ پیش‌بینی کننده/ تأثیرگذار در بروز خشونت خانگی فیزیکی علیه زنان در یکی از سه حوزه افراد خشونت‌دیده (زنان)، افراد خشونت‌گر و جامعه پرداخته باشد.

معیارهای ارزیابی نقادانه مقالات عبارت بودند از: ۱- تعیین دقیق جمعیت هدف؛ ۲- تعیین دقیق متغیرهای مورد بررسی؛ ۳- تعیین دقیق زمان و مکان پژوهش؛ ۴- تناسب روش نمونه‌گیری با هدف پژوهش؛ ۵- هم‌خوانی ویژگی‌های افراد مورد بررسی با ویژگی‌های جمعیت هدف؛ ۵- کافی بودن تعداد نمونه‌ها؛ ۶- یکسان بودن روش ارزیابی و گردآوری داده‌ها در مورد تمامی افراد مورد بررسی؛ ۷- معتبر بودن ابزار گردآوری داده‌ها؛ ۸- انجام شدن تعدیل‌های مورد نیاز برحسب متغیرهای مورد بررسی؛ ۹- انجام شدن تعدیل‌های مورد نیاز برحسب روش نمونه‌گیری. از مجموع ۱۱۰۵ مقاله اولیه (۱۰۰۸ و ۹۷ مورد به ترتیب از جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی و از سایر منابع)، پس از حذف موارد تکراری (۷۲۰ مورد)، عنوان و خلاصه ۳۶۶ مقاله از نظر تطبیق با معیارهای ورود، بررسی شد. منابع پایانی مقاله‌ها نیز بررسی شد تا مقاله‌های مناسب از این نظر نیز استخراج شود. پس از حذف همپوشانی‌ها، برای شناسایی مقاله‌ها، ابتدا چکیده مقاله‌ها بررسی شد. سپس متن کامل مقاله‌های انتخاب شده بررسی شد. در این مرحله مقاله‌هایی که نامرتب بودند کنار گذاشته شدند. بدین ترتیب ۳۰۲ مورد حذف شد و ۶۴ مقاله باقیمانده مورد ارزیابی نقادانه قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در راستای پاسخ به این سوال پژوهشی که «علل و عوامل مرتبط با خشونت عاشقانه که مطالعات و تحقیقات مختلف به آن اشاره کرده‌اند، کدامند؟» داده‌ها با استفاده از روش مطالعه مرور نظام‌دار مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که: سه عامل متفاوت در تبیین پرخاشگری عاشقانه دخیل

¹ adjustment

هستند؛ که عبارتند از: عوامل فردی^۱، عوامل بین فردی^۲ و عوامل غیرفردی^۳. منظور از عوامل فردی ویژگی‌هایی است که افراد با خود به رابطه می‌آورند، که به عبارتی، به دنبال تبیین ویژگی‌های متمایزکننده افراد پرخاشگر از غیرپرخاشگر می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱. علل فردی پرخاشگری در روابط عاشقانه

منبع	علل
Stith & et al (2004), Mohammady & Mirzaei (2013), Neiazi & et al (2018), Caesar (1988), Hotalling & Sugarman (1986), Kalmuss (1984), Kim & et al (2009), Murphy & et al (1994), Ehrensafft & et al (2003), Hotalling & Sugarman (1986), Talebpor (2017), Harazjoreiri & et al (2017), Yaghibidost & et al (2014) Shikh-Bardesiri & et al (2017), Khani & et al (2010), Moazami (2004), Pornaghash-Tehrani (2005), Khadivzadeh & Erfanian (2011)	تجربه و مشاهده خشونت در کودکی
Dutton & Strachan (1987), Eckhardt & et al (2002)	نقص در رفتار جراتمندان
Hambereger & Hastings (1988), Pornaghash-Tehrani & et al (2018)	وجود اختلالات روانشناختی
Holtzworth- Munroe & et al (2003), Eckhardt, Jamison & Watts (2002)	داشتن خصلت خشم در مردان
Covell & et al (2007), Richardson & et al (1994), Miller & Eisenberg (1988), Jolliffe & Farrington (2004), Ulloa & Hammett (2016)	نقص در همدردی
Holtzworth- Munroe & Hutchinson (1993)	الگوی شناختی (نسبت دادن رفتارهای همسر به رفتارهای خصمانه)
Enayat & Dastranj (2010)	کم سن بودن زن
Emam-Hadi & et al (2009), Pornaghash-Tehrani & et al (2019)	ضعف در هوش هیجانی، خودتنظیمی هیجانی
Holtzworth- Munroe & Anglin (1991), Rounsaville (1978), Anglin & Holtzworth-Munroe (1997), Hashemian & et al (2018)	نقص در حل مسئله
Leonard & Blane (1992)., Heyman & et al (1995)	وابستگی به الکل
Shikh-Bardesiri & et al (2017), Moazami (2004)	وابستگی به مواد مخدر

¹ personal

² Interpersonal

³ Impersonal

عامل دوم، بر عوامل اجتماعی-فرهنگی از قبیل نقش‌های جنسیتی، ارزش‌های مردسالارانه، اختلاف در قدرت، جنسیت‌گرایی، سبک‌های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و عوامل ارتباطی از قبیل عدم مهارت در حل تعارض تاکید می‌کنند. که در این مطالعه تحت عنوان عوامل «بین فردی» نام‌گذاری شد (جدول ۲).

جدول ۲: علل بین فردی پرخاشگری در روابط عاشقانه

منبع	علل
Stith & et al (2004)	راهبرد حل تعارض
Babcock & et al (1993), Aida & Falbo (1991), Betchen (2006), Frieze & McHugh (1992), Mason & Blankenship (1987), Sagrestano & et al (1999), Talebpor (2017), Mohammady & Mirzaei (2013)	جدل برای قدرت بیشتر
Talebpor (2017), Vahida & et al (2015), Nezadsabzi & Maleki (2010), Vesali & et al (2000), Pornaghash-Tehrani (2005), , Neiazi & et al (2018), Holtzworth-Munroe & et al (1997)	جامعه‌پذیری جنسیتی و تفکرات مرد سالارانه
Vogel & et al (2007), Berns, Jacobson & Gottman (1999)	وجود الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار
Talebpor (2017), Hashemian & et al (2018), Feroz-Hajian & Rezaei-Cherati (2014)	عدم صمیمیت
Hashemian & et al (2018), Sharifi & et al (2017), Hashemian & et al (2018), Maghsodi & et al (2015)	نارضایتی جنسی
Enayat & Dastranj (2010), Vahida & et al (2015)	خیانت
Talebpor (2017), Vahida & et al (2015), Sharifi & et al (2017)	بی‌اعتمادی
Holtzworth-Munroe & Anglin (1991), Rounsaville (1978), Anglin & Holtzworth-Munroe (1997), Hashemian, et al (2018), O'Leary(1985)	نقص در مهارت‌های ارتباطی
Maysless (1991), Feeney (1999)	دلبستگی نایمن

و دسته‌ی آخر عوامل «بافتی» و یا «غیرفردی» (مانند سطح تحصیلات، سن، روابط فرازناشویی، چند همسری و مشکلات مالی و اقتصادی) که بیشتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی بوده است (جدول ۳).

¹ sexism

جدول ۳: علل بافتی پرخاشگری در روابط عاشقانه

منبع	علل
Anderson (2002), Enayat & Dastranj (2010), Shikh-Bardesiri & et al (2017), Moazami (2004), Ahmady & et al (2013), Sedaghat& Zarniean (2009)	تحصیلات و درآمد پایین تر مردان
Khani & et al (2010), Shikh-Bardesiri & et al (2017), Shakerinezhad (2013), Zanjanizadeh & et al (2014), Enayat & Dastranj (2010)	ضعف حمایت خانوادگی و اجتماعی از زنان
Talebpor (2017)	دخالت خویشاوندان
Shikh-Bardesiri & et al (2017), Khadivzadeh & Erfanian, (2011)	ازدواج اجباری
Ahmady & et al (2013), Sedaghat& Zarniean (2009)	مشکلات اقتصادی
Khadivzadeh & Erfanian (2011)	چند همسری
Khadivzadeh & Erfanian (2011)	سابقه محکومیت کیفری در مرد

بحث

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، مطالعه حاضر به بررسی عوامل موثر در بروز خشونت عاشقانه پرداخت. مطابق نتایج عوامل مرتبط با خشونت زوجی عبارت بودند از: عوامل «فردی»، عوامل «بین فردی»، و عوامل «غیرفردی». مشابه با نتایج فوق، Vameghi & et al (2013) در مطالعه‌ای مروری نشان دادند که تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی، موقعیتی، اجتماعی، و فرهنگی در ایجاد خشونت علیه زنان نقش ایفا می‌کنند. عوامل شناسایی شده در مطالعه حاضر حاکی از اهمیت ارتباطات و مناسباتی است که تحت فشارهای اجتماعی، روانی و یا اقتصادی نمود می‌یابند. علی‌رغم بعضی از تفاوت‌ها که ناشی از زمینه‌های فرهنگی متفاوت است، شواهد بین فرهنگی، الگوهای مشابهی نیز پیش‌رو می‌گذارد. برای مثال تحقیقات آشکار می‌سازد که خشونت علیه زنان ارتباط تنگاتنگی با ساخت نهادهای اصلی اجتماع دارد. در جوامعی که زنان کم ارزش تر تلقی می‌شوند و یا موقعیت آن‌ها به شدت وابسته به موقعیت مردان است، میزان خشونت علیه آن‌ها جدی‌تر و رایج‌تر است. از طرفی به نظر می‌رسد که خشونت‌های خانگی صرفاً یک رفتار پرخاشگرانه نیست، بلکه نوعی مطیع-سازی و سلطه‌جویی است که در واقع بازتاب تعاریف فرهنگی از نقش‌های مردان است. به طور کلی تحقیقات نشان می‌دهد که چگونه انزوا و بی‌قدرتی زنان آنان را نسبت به خشونت آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین فهم ما از خشونت علیه زنان در گرو فهم ماهیت مناسبات جنسیتی به طور اعم و ظهور خصوصیات مردانه به‌طور اخص است (Pradesh, 2004., Xu, 1995., Visaria, 1999). مطابق با نتایج، عوامل به دست آمده در این مطالعه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

• عوامل فردی

مطابق نتایج پژوهش عوامل فردی مرتبط با خشونت زوجی عبارت بودند از: تجربه و مشاهده خشونت در کودکی، نقص در رفتار جراتمندان، نقص در خود تنظیمی هیجانی و هوش هیجانی، وجود اختلالات روانشناختی، فقدان خصلت همدردی صفتی و داشتن خصلت خشم و خشونت شدیدتر در مردان آسیب‌رسان و هم‌چنین، سن پایین، وابستگی به الکل و مواد مخدر و نقص در حل مسئله. در تبیین این عوامل می‌توان گفت که نتایج بسیاری از تجربه‌ی مشاهده‌ی پرخاشگری فیزیکی به عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در بروز رفتارهای پرخاشگری هم مردان و هم زنان حمایت کرده‌اند. در واقع، تاکید بر آن است که کودکانی که از سوی والدین و اطرافیان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، در بزرگسالی این الگوی رفتاری را بروز می‌دانند. ایده‌ی اصلی مبتنی بر این دیدگاه بر نظریه‌ی یادگیری اجتماعی^۱ متمرکز است (Bandura, 1973)، که خاطر نشان می‌کرد آن‌چه که فرد از اطرافیان مشاهده کند، فراگیری خواهد شد. بنابراین، تبادلات بین نسلی خشونت زمانی رخ می‌دهد که کودکان و نوجوانان خشونت را از سوی والدین مشاهده بکنند و آن را به عنوان راهبردی موثر جهت حل تعارض فرا بگیرند. البته منتقدان پیشنهاد می‌کنند که این دیدگاه در تبیین پرخاشگری ناکافی است، از آنجایی که تمام کسانی که در کودکی قربانی خشونت بوده‌اند، در بزرگسالی رفتارهای پرخاشگرانه نشان نداده‌اند (Jasinski, 2001). در مطالعه‌ای نشان داده شد که تنها ۳۰ درصد از این افراد، در بزرگسالی پرخاشگر شده‌اند. سایر مطالعات حتی درصدهای کمتری گزارش کرده‌اند (O'Leary, 1993). هم‌چنین مطالعات نشان می‌دهد که مردهای خشن در مقایسه با مردهای غیرخشن، در مهارت‌های اجتماعی مثل، مهارت حل مسئله^۲ و ابراز هیجان در روابط زوجی با کمبود و نقص مواجهند (Anglin & Holtzworth-Munroe, 1997) هم‌چنین زوجین پرخاشگر از رفتار جراتمندان کمتری برخوردار بوده (Dutton & Strachan, 1987) و یا ممکن است آن‌ها نتواند رفتار ارتباطی صریح و جراتمندان داشته باشند (Eckhardt & et al, 2002). هم‌چنین، خشونت در روابط زناشویی از طرف مرد، با نشانه‌های روانشناختی مثل افسردگی یا اضطراب مرتبط است (Hambereger & Hastings, 1988). مردی که در زندگی‌اش پرخاشگری می‌کند، خصلت خشم و خشونت شدیدتری نسبت به مردان دیگر دارد (Holtzworth, Munroe & et al, 2003).

جالب توجه است که در مطالعه‌ی اخیر انجام شده در زمینه پرخاشگری، بر نقش «همدردی صفتی»^۳ در پیش‌بینی پرخاشگری تاکید کرده است (Ulloa & Hammett, 2016). این مطالعه

¹ social learning theory

² intergenerational transmission of violence

³ Problem Solving

⁴ Dispositional Empathy

پیشنهاد می‌کند که سطوح مختلف همدردی در مردان در مقایسه با زنان به احتمال بیشتر رفتارهای پرخاشگرانه را پیش‌بینی خواهد کرد. نقص در همدردی که به عنوان ناتوانی فرد در سهیم شدن در تجربه‌ی هیجانی دیگری تعریف می‌شود (Cohen & Strayer, 1996) با تمایلات فرد در بروز رفتارهای پرخاشگرانه و ضد اجتماعی مرتبط است (Jolliffe & Farrington, 2004).

یکی از پیامدهای وابستگی شدید به مواد مخدر و الکل بروز خشونت علیه همسر می‌باشد در واقع، وابستگی به الکل و نوشیدنی زیاد مشروبات، پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای خشونت زناشویی موجود و آتی است (Heyman & et al, 1995). سن یکی از عوامل خطری که همواره در بروز خشونت نقش داشته است. تقریباً ۲۰ درصد از مردانی که بین ۱۸ تا ۲۵ سال سن دارند و ۱۷ درصد از مردان ۲۶ تا ۳۵ ساله حداقل یک بار در طول سال مرتکب خشونت می‌شوند (Ahmady, in press). نتایج مطالعات خارج از ایران نشان دادند که غالباً بالاترین شیوع خشونت مربوط به قربانیان زن با سن کمتر است (WHO, 2005).

• عوامل بین فردی مرتبط با بافت ارتباطی زوجین

مطابق نتایج پژوهش عوامل بین فردی مرتبط با خشونت زوجی عبارت بودند از: خشونت به عنوان راهبرد حل تعارض، جامعه‌پذیری جنسیتی و تفکرات مرد سالارانه، وجود الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار، فقدان صمیمیت، فقدان رضایت جنسی، خیانت، بی‌اعتمادی، سبک دلبستگی ناایمن، نقص در مهارت ارتباطی و توسل به خشونت فیزیکی به منظور راهی برای کسب قدرت بیشتر در رابطه. مطابق دیدگاه فمینیست، نابرابری جنسیتی که در سیستم‌های مردسالارانه وجود دارد، تضمین‌کننده این است که مردان در مقایسه با زنان از منابع بیشتری برخوردار باشند. علاوه بر این، مدافعان این دیدگاه دریافتند که سیستم اجتماعی مردسالارانه به عنوان نوعی سیستم توجیه‌کننده‌ی خشونت فیزیکی علیه زنان است (Yllo, 1990). این در حالی است که مطالعات در زمینه قدرت زناشویی و خشونت زوجی از نتایج متضادی خبر می‌دهند، برخی از مطالعات اظهار می‌دارند مردان به خاطر قدرت و کنترل بیشتری که در رابطه دارند، خشونت بیشتری را به کار می‌برند (Johnson, 1996). در مقابل، مطالعات دیگر نشان دادند که مردان زمانی که احساس کنند در رابطه در موقعیت پایین‌تری هستند، از خشونت به عنوان ابزاری برای کسب قدرت بیشتر استفاده می‌کنند (Straus & et al, 1993., Mason & Blankenship, 1987). به اظهار Straus & et al (1980) کسانی که در رابطه جایگاه پایین‌تری را احساس می‌کنند، از خشونت فیزیکی به منظور

¹ gender inequality

² Marital Power

³ Intimate Partner Violence

بازگرداندن قدرت بیشتر استفاده می‌کنند. Pyke (1996) در یک مطالعه کیفی، نشان داد که خشونت‌های ناشی از نقش جنسیتی که در آن زن نقش مطیعانه‌تری نسبت به شوهر دارد، راه-اندازهای خوبی برای پرخاشگری در مردان هستند. در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد که زنانی که در جایگاه شغلی مشابه با همسرانشان قرار داشتند به احتمال بیشتری خشونت زندگیشان را تهدید می‌کرد (Hornung, McCullough, & Sugimoto., 1981). به عبارتی، احتمال خشونت از جانب شوهر نسبت به زن، در زمانی که زن پول بیشتری بدست می‌آورد به طور معناداری افزایش می‌یابد (Hotalling & Sugarman, 1986).

زوجین هم‌چنین در جدل برای کسب قدرت بیشتر، از ابزارها و راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند. Aida & Falbo (1991) دریافتند که زوجین، زمانی که دریابند از نظر قدرت، در موضع پایین‌تری قرار گرفته‌اند، حربه‌های مختلفی را جهت کسب جایگاه بالاتر به کار خواهند گرفت. به عنوان مثال، راه‌کاری که ممکن است زوجین به ویژه زنان به آن متوسل شوند، کناره‌گیری و یا ترک رابطه جنسی است. Dallos & Dallos (1997) اظهار داشتند که از آن جایی که زنان در مقایسه با مردان از جایگاه قدرتی کمتری برخوردارند، برای کسب قدرت بیشتر چاره‌ایی جز ترک رابطه‌ی جنسی ندارند. کناره‌گیری از رابطه جنسی با هدف دست‌کاری رابطه شکل دیگری از پرخاشگری رابطه‌ایی است. شایان ذکر است که Betchen (2006) در مطالعه‌ایی نشان داد، مردان ممکن است با مطرح کردن نارضایتی از رابطه‌ی جنسی در جهت کسب قدرت بیشتر در رابطه بکوشند.

شایان ذکر است که تحقیقات مختلفی نیز به اهمیت و نقش الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار^۱ در تبیین پرخاشگری زوجی پرداخته‌اند. «فرضیه‌ی ساختار اجتماعی» بیان می‌کند که الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار زمانی رخ می‌دهد که عدم تعادلی در وزنه‌ی قدرتی میان زوجین به وجود می‌آید (Sagrestano & et al, 1999). بدین ترتیب، معمولاً زنی که نیاز به مشارکت بیشتر شوهر دارد، نقش طلبکار را ایفا خواهد کرد (در جایگاه قدرتی کمتر) و مرد جهت حفظ جایگاه قدرتی بالاتر از درگیری جهت حل تعارض اجتناب خواهد کرد. بنابراین از سبک الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار می‌توان به عنوان راهبردی جهت کسب قدرت بیشتر در رابطه نام بردند. در مطالعه‌ایی دیگر، & et al (1993) Babcock با استفاده از مدل «تبادل دموکراتیک»^۲ خاطر نشان ساختند که مردان ممکن است به دلیل فقدان مهارت‌های ارتباطی، متوسل به خشونت فیزیکی به منظور راهی برای کسب قدرت

¹ Trigger

² Demander-Withdraw

³ social structure hypothesis

⁴ demand-withdraw

⁵ Democratic exchange Model

بیشتر در رابطه بشوند. در واقع این فرضیه به طور ساده اشاره می‌کند که زمانی که مرد مهارت ارتباطی نداشته باشد و احساس کند که در جایگاه قدرتی پایین‌تری در مقایسه با زن قرار گرفته است، احتمال خشونت فیزیکی از طرف او افزایش می‌یابد (Rounsaville, 1978).

Hazan & Shaver (1987) جزء اولین محققانی بودند که روابط عاشقانه را به عنوان فرایندهای

مرتبط به دلبستگی بررسی کردند. آنان با استفاده از سه سبک دلبستگی که توسط Ainsworth (1968) جهت تبیین دلبستگی نوزادان توصیف شده بود، به تبیین روابط زوجی در بزرگسالان پرداختند. یافته‌ها خاطر نشان می‌سازد که سبک‌های دلبستگی بزرگسالان با سبک‌های دلبستگی نوزادی‌شان مشابه است. به عبارتی خشم مرد پرخاشگر از دلبستگی نایمن او نشأت می‌گیرد. بالاخص اضطراب ناشی از رهاشدگی^۱ به احتمال زیادی منجر به خشم و رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود (Mayseless, 1991). این مفهوم‌پردازی اشاره می‌کند که افراد با دلبستگی نایمن به منظور حفظ و نگهداری رابطه با شریک عاطفی خود پرخاشگری را بروز می‌دهند. به عبارت دیگر، مردان و زنانی که می‌ترسند که مبادا از سوی شریک عشقی خود طرد شوند، با خشم بیشتری واکنش نشان خواهند داد و در افراد با دلبستگی اجتنابی، خشونت ممکن است بیشتر به شکل پرخاشگری منفعلانه نمود پیدا کند. با این وجود، حتی افراد اجتنابی ممکن است به منظور مشخص کردن مرزهای ارتباطی با شریک عشقی خود، زمانی که مدام از طرف وی تحت فشار قرار می‌گیرند، از خشونت بهره بگیرند (Feeney, 1999). اگرچه دلبستگی نایمن با پرخاشگری مرتبط است، اما تبیین کافی در فهم پرخاشگری فراهم نمی‌کند، چرا که دلبستگی نایمن تا حدود زیادی رایج است (Broussard, 1995) و تمام افرادی که دلبستگی نایمن دارند، رفتارهای پرخاشگرانه ندارند.

• عوامل غیرفردی

اگر قدرت را مؤلفه کلیدی در بروز خشونت در نظر بگیریم، استرس عاملی است که این کلید را فعال می‌کند. زمانی که تصویر آرمانی رابطه از بین برود و استرس‌های محیطی ایجاد شوند، زوج درگیر یک چرخه صعودی از تعامل خشونت‌آمیز می‌شوند (Ahmady, in press). بنابراین برخی‌ها تأثیر گروهی از عوامل استرس‌زا بر خشونت خانوادگی را مطرح کرده‌اند، اگرچه ممکن است این عوامل در مورد تمام همسر آزاری‌ها عمومیت نداشته باشند. این عوامل ممکن است به عنوان روشی برای کنترل موقعیت توسط فرد آزاررسان مورد استفاده قرار گیرند، یا ناشی از خود ارتباط باشند و یا از عوامل خارج از رابطه نشأت گرفته باشند. این عوامل عبارت‌اند از:

¹ Abandonment

- انزوای جغرافیایی و فقدان حمایت اجتماعی: انزوای جغرافیایی و اجتماعی باعث می‌شود که قربانی هیچ دوستی به عنوان منبع حمایتی، در دسترس خود نداشته باشد. زن به دلیل وابستگی عاطفی شدید از شوهر خود انتظار دارد تمام نیازهایش را برآورده کند و هیچ فرد نزدیکی ندارد تا هنگام مواجهه با خشونت به او روی آورد (Shakerinejad, 2013, Khani & et al, 2010., Shikhbardsiri & et al, 2017.,).

- وابستگی زنان و ضعف اقتصادی: از جمله عوامل استرس زایی است که در بروز پرخاشگری نقش دارد (Ahmady & et al, 2013., Vahida & et al, 2015).

- اختلاف تحصیلی و شغلی: زمانی که در یک رابطه، زن سطح تحصیلات یا موقعیت شغلی بالاتری داشته باشد، احساس کفایت یا مسئولیت پذیری در هر دو طرف زیر سؤال می‌رود. چنانچه مرد بیکار و زن شاغل باشد، مرد زمان بیشتری برای فکر کردن به بی‌کفایتی و ناتوانی خود به عنوان گرداننده زندگی دارد، که برای مردانی که از قبل احساس بی‌کفایتی دارند موقعیت بسیار ناراحت کننده ایجاد می‌کند (Moazemi, 2004).

- محرومیت از حقوق: در ایران همان‌گونه که مطالعات (Shikhbardsiri & et al 2017) و Erfanian & Khadivzadeh (2011) نشان دادند، ازدواج اجباری می‌تواند به عنوان یک نوع عامل استرس زا در نظر گرفته شود.

- چند همسری: Erfanian & Khadivzadeh (2011) از پدیده‌ی چندهمسری به عنوان مولفه‌ای مهم که به پرخاشگری زوجین دامن می‌زند، یاد کردند.

- دخالت خویشاوندان: Talebpor (2017) دخالت خانواده‌های گسترده به عنوان یکی از متغیرهای تبیین کننده پرخاشگری نشان دادند.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با روش مرور سیستماتیک به سه دسته از عوامل «فردی»، «بین فردی»، و «غیرفردی» اشاره کرد که مقالات مختلف در تبیین پرخاشگری به آن پرداخته‌اند. با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که، مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته بر جنبه‌های مختلفی از مکانیزم‌ها و فرایندهای خشونت در روابط عاشقانه تمرکز کرده‌اند، برخی بر مشخصه‌های فردی تاکید دارند. که در واقع، به دنبال تبیین ویژگی‌های متمایزکننده افراد پرخاشگر از

غیرپرخاشگر می‌باشد، از قبیل ضعف در برخی از مهارت‌ها مانند مهارت‌های کلامی، رفتار جراتمندانه، توانایی حل تعارض و تنظیم هیجانی. بنابراین پیشنهاد می‌شود درمانگران در کار با زوجین پرخاشگر آموزش این قبیل مهارت‌ها را در دستور کار خود قرار دهند. علاوه بر تفاوت‌های فردی، نقش عوامل بین‌فردی از قبیل نقش‌های جنسیتی، ارزش‌های مردسالارانه، جدال بر سر قدرت و سلطه‌گری به اثبات رسیده است. هم‌چنین اخیراً، تبیینات دلبستگی در رابطه مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تحقیقات مختلف انجام شده در سطح عوامل بین فردی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که، پویایی‌های عوامل و مولفه‌های مختلفی که در سیستم زوجین رخ می‌دهد از جمله عوامل قایم، اما در عین حال مهم هستند که در کار با زوجین ضرورتاً محل مذاقه به شمار می‌آیند. و در آخر، در سطح سوم، عوامل غیرفردی از قبیل، شرایط اقتصادی، عدم برخورداری از منابع حمایتی، اختلاف طبقاتی از جمله عوامل مهمی هستند که نشان می‌دهند، بیشتر از آن که خشونت به عنوان یک موضوع تک بعدی در نظر گرفته بشود، می‌بایست آن را به عنوان یک خصیصه‌ی روانی-رفتاری با ماهیت پیچیده در نظر گرفت که نیازمند مداخله در سطوح مختلف فردی، فرهنگی و اجتماعی است.

تقدیر و تشکر

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای حرفه‌ای مصوب و دفاع شده در دانشکده روانشناسی استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از تمام عزیزان و شرکت‌کنندگانی که در این طرح پژوهشی همکاری و مشارکت صمیمانه داشتند که به دلایل رعایت اصول اخلاقی ذکر نامشان مجاز نیست، و هم‌چنین مسئولان محترم پژوهشی دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و هیئت داوران پایان‌نامه که ما را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

References:

- Ahmady, Batol., Naseri, Simin., Ali-Mohammadiyan, Masome., Shams, Mohsen., Ranjbar, Zeiab., Shareiat, Mamak., Ebrahimpor, Azize., Porreza, Abolghasem., Mahmodi, Mahmood (2008). The views of Tehrani men and women and experts on domestic violence against women in Iran: A qualitative study. *Journal of School of Health and Institute of Health Research*. Vol. 6, No. 2 (in persion)\Ahmady, Khodabakhsh (in press). *Comprehensive Book of Psychological Interventions in Crisis*. Tehran, Dangier Publishing.
- Ahmady, Mahbobe., Ravnavrđi, Mona., Keiani, Mehrzad., Porhoseingholi, Asma., Moafei, Farnoosh., Asadzadeh, Ferooze (2013). Causes of Domestic Violence in Women. *Journal of Health and Care*. Vol. 17, No. 1. (in persion)
- Aida, Y., & Falbo, T. (1991). Relationships between marital satisfaction, resources, and power strategies. *Sex Roles*, 24, 43-56.
- Ainsworth, M. D. S. (1968), Object relations, dependency, and attachment: A theoretical review of the infant mother relationship. *Child Development*, 40, 969-1025.
- Anderson, K. L. (2002). Perpetrator or victim? Relationships between intimate partner violence and well-being. *Journal of Marriage and Family*, 64, 851–863.
- Anglin, K., & Holtzworth-Munroe, A. (1997). Comparing the responses of martially violent and nonviolent spouses to problematic marital and nonmarital situations: Are the skill deficits of physically aggressive husbands and wives global? *Journal of Family Psychology*, 11, 301-311.
- Archer, J. (2000). Sex differences in aggression between heterosexual partners: A metaanalytic review. *Psychological Bulletin*, 126, 651-680
- Arriaga, X., & Oskamp, S. (1999). The nature, correlates, and consequences of violence in intimate relationships. In X. Arriaga & S. Oskamp (Eds.), *Violence in intimate relationships* (pp. 3-6). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Averill, J. R. (1990). Emotions as related to systems of behavior. In N.L. Stein, B. Leventhal, & T. Trabasso (Eds.), *Psychological and biological approaches to emotion* (pp.385-404). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Babcock, J. C., Waltz, J., Jacobson, N. S., & Gottman, J. M. (1993). Power and violence: the relation between communication patterns, power discrepancies, and domestic violence. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 40-50.
- Bagarozzi, D. A. (1990). Marital power discrepancies and symptom development in spouses: an empirical investigation. *The American Journal of Family Therapy*, 18, 51-64.
- Bandura, A. (1973). *Aggression: A social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Berns, S. B., Jacobson, N. S., & Gottman, J. M. (1999). Demander- Withdraw Interaction in Couples with a Violent Husband. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, Vol 67, 666.
- Betchen, S. J. (2006). Husband who use sexual dissatisfaction to balance the scales of power in their dual-career marriages. *Journal of Family Psychotherapy*, 17, 19-35.

- Bond, S. B., & Bond, M. (2004). Attachment styles and violence within couples. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 192, 857-863.
- Breiding, M. J., Smith, S. G., Basile, K. C., Walters, M. L., Chen, J., & Merrick, M. T. (2011). Prevalence and characteristics of sexual violence, stalking, and intimate partner violence victimization—National Intimate Partner and Sexual Violence Survey, United States, Morbidity and Mortality Weekly Report, 63(SS08), 1-18. Retrieved from Centers for Disease Control and Prevention.
- Broussard, E. R. (1995). Infant attachment in a sample of adolescent mothers. *Child Psychiatry & Human Development*, 25, 211-219.
- Burgess, R. L., & Draper, P. (1989). The explanation of family violence: The role of biological, behavioral, and cultural selection. In L. Ohlin & M. Tonry (Eds.), *Family violence* (Vol. 11, pp. 59-116). Chicago: University of Chicago Press.
- Burman, B., Margolin, G., & John, R. S. (1993). America's angriest home videos: behavioral contingencies observed in home reenactments of marital conflict. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 28-39.
- Caesar, P. L. (1988). Exposure to violence in families-of-origin among wife abusers and maritally nonviolent men. *Special issues: Wife assaulters. Violence and Victims*, 3, 49-63.
- Capaldi, D. M., Shortt, J. W., & Crosby, L. (2003). Physical and psychological aggression in at-risk young couples: Stability and change in young adulthood. *Merill-Palmer Quarterly*, 49, 1-27.
- Cohen, D., & Strayer, J. (1996). Empathy in conduct-disordered and comparison youth. *Developmental Psychology*, 32, 988-998.
- Cordova, J. V., Jacobson, N. S., Gottman, J. M., Rushe, R., & Cox, G. (1993). Negative reciprocity and communication in couples with a violent husband. *Journal of Abnormal Psychology*, 102, 559-564.
- Covell, C., Huss, M., & Langhinrichsen-Rohling, J. (2007). Empathic deficits among male batterers: A multidimensional approach. *Journal of Family Violence*, 22(3), 165-174.
- Dallos, S., & Dallos, R. (1997). *Couples, sex, and power. The politics of desire*. Open University Press. Buckingham & Philadelphia
- Daly, M., & Wilson, M. (1988). *Homicide*. New York: Aldine de Gruyter.
- Dobash, R. E., & Dobash, R. P. (1979). *Violence against wives: A case against patriarchy*. New York: Free.
- Doumas, D. M., Pearson, C. L., Elgin, J. E., & McKinley, L. L. (2008). Adult attachment as a risk factor for intimate partner violence. The "mispairing" of partners' attachment styles. *Journal of Interpersonal Violence*, 23, 616-634.
- Dutton, D. G. (1992). Theoretical and empirical perspectives on the etiology and prevention of wife assault. In Peters, R. D., McMahon, R. J., and Quinsey, V. L. (eds.), *Aggression and Violence Throughout the Life Span*, Sage, Thousand Oaks, CA, pp. 192-221.
- Dutton, D. G. (1994). Patriarchy and wife assault: The ecological fallacy. *Violence and Victims*, 9, 167-182

- Dutton, D. G. (1999). Traumatic origins of intimate rage. *Aggression Violent Behav.* 4: 431–447.
- Dutton, D. G. (2008b). Caveat assessor: Potential pitfalls of generic assessment for intimate partner violence. In A. C. Baldry & F. W. Winkel (Eds.), *Intimate partner violence prevention and intervention: The risk assessment and management approach* (pp. 125–131). New York: Nova Science Publishers, Inc.
- Dutton, D. G., & Browning, J. J. (1988). Concern for power, fear of intimacy, and aversive stimuli for wife assault. In G. Hotaling, D. Finkelhor, J. T. Kirkpatrick, & M. A. Straus (Eds.), *Family abuse and its consequences. New directions in research* (pp. 130–175). Newbury Park: Sage
- Dutton, D. G., & Strachan, C. E. (1987). Motivational needs for power and spousespecific assertiveness in assaultive and nonassaultive men. *Violence and Victims*, 2, 145-156.
- Eckhardt, C. I., Barbour, K. A., & Stuart, G. L. (1997). Anger and hostility in martially violent men: Conceptual distinctions, measurement issues, and literature review. *Clinical Psychology Review*, 17, 333-358.
- Eckhardt, C. I., Jamison, T. R., & Watts, K. (2002). Anger experience and expression among male dating violence perpetrators during anger arousal. *Journal of Interpersonal Violence*, 17, 1102-1114.
- Ehrensaft, M. K., Cohen, P., Brown, J., Smailes, E., Chen, H., & Johnson, J. G. (2003). Intergenerational transmission of partner violence: A 20-years prospective study. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 71, 741-753.
- Ehrensaft, M. K., Moffitt, T. E., & Caspi, A. (2004). Clinically abusive relationships in an unselected birth cohort: men's and women's participation and developmental antecedents. *Journal of Abnormal Psychology*, 113, 258–271.
- Emam-Hadi, Mohammadali., Jalilvand, Maryam., Hadiyan, Mina (2009). Comparison of emotional intelligence in women victims of domestic violence with control group. *Journal of Forensic Science*. Vol. 15, No. 1 (in persion)
- Enayat, Halime., Dastranj, Mansore (2010). A Study of the Structure of Power in the Family (Case Study: Lar City). *Journal of Women Research*. Vol. 8, No. 1 (in persion).
- Ezazi, Shahla (2002). *Domestic Violence "Beaten Women"*. Sally Publishing.
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of Attachment: Theory, Research and Applications* (pp. 355-377). New York: Guilford.
- Fehr, B, Baldwin, M., Collins, L., Patterson, S., & Benditt, R. (1999). Anger in close relationships: An interpersonal script analysis. *Personality and social psychology Bulletin*, 25,299-312.
- Fergusson, D. M., Horwood, L. J., & Ridder, E. M. (2005). Partner violence and mental health outcomes in a New Zealand birth cohort. *Journal of Marriage and Family*, 67, 1103–1119.
- Feroz-Hajian, Aliasghar., Rezaei-Cherati, Zahra (2014). Sociological Analysis of Violence Against Men. *Journal of Social Development*. Vol. 9, No. 2 (in persion)

- Fox, G. L., Benson, M. L., DeMaris, A. A., & Van Wyk, J. (2002). Economic distress and intimate violence: Testing family stress and resources theories. *Journal of Marriage and Family*, 64, 793-807.
- Frieze, I. H., & McHugh, M. C. (1992). Power and influence strategies in violent and nonviolent marriages. *Psychology of Women Quarterly*, 16, 449-465.
- Ganley, A. (1981). Participant and trainer's manual for working with men who batter. Unpublished manuscript. Washington, DC: Center for Women Policy Studies.
- Ghazi-Tabatabaei, Mahmood (2005). National Survey of Khotuny Violence", *Etemad-e Melli newspaper*, No. 411
- Hambereger, L. K., Hastings, J. E. (1988). Skills training for treatment of spouse abusers: An outcome study. *Journal of Family Violence*, 3, 121-130.
- Harazjoreiri, Jafar., Merzaei, Rahmat (2017). Violence and Gender (Experience of Men and Women in Paveh City). Vol. 4, No. 2 (in persion)
- Hashemian, Masome., Solhei, Mahnaz., Garmarodi, Gholamreza., Mehri, Ali., Shahrabadi, Reza (2018). Married Men's Experiences of Domestic Violence Against Their Spouses: A Qualitative Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*. Vol. 7, No. 2 (in persion).
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Heise, L. L. (1998) "Violence Against Women: An Integreted Ecological Framework", *Violence Against Women*, 4(3), 262-291.
- Henderson, A. J. Z., Bartholomew, K., Trinke, S. J., & Kwong, M. J. (2005). When loving means hurting: an exploration of attachment and intimate abuse in a community sample. *Journal of Family Violence*, 20, 219-230.
- Heyman, R. E., O'Leary, K. D. & Jouriles, E. N. (1995). Alcohol and aggressive personality styles: Potentiators of serious physical aggression against wives? *Journal of Family Psychology*, 9, 44-57.
- Holtzworth, Munroe, A., Anglin, K. (1991). The competency of responses given by maritality violent versus nonviolent men to problematic marital situations. *Clinical psychology review*, 12, 605-617.
- Holtzworth-Munroe, A., Stuart, G. L., & Hutchinson, G. (1997). Violent versus nonviolent husbands: Differences in attachment patterns, dependency, and jealousy. *Journal of Family Violence*, 11, 314-331.
- Holtzworth, Munroe, A., Hutchinson, G. (1993). Attributing negative intent to wife behavior: The attributions of martially violent versus nonviolent men. *Journal of abnormal psychology*, 102, 206-211.
- Holtzworth, Munroe, A., Meehan, A., Herron, c. J., Rehman, K., Uzma, R., & Gregory, U. (2003). Do subtypes of maritality violent men continue to differ over time? *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, Vol 71(4), Aug 2003, 728-740.
- Holtzworth, Munroe, A., Rehman, U., & Herron, K. (2009). General and spouse specific anger and hostility in subtypes of martially violence men and nonviolent men. *Behavior Therapy*, 31, 603-630.

- Holtzworth, Munroe, A., Stuart, G. L., & Hutchinson, G. (1997). Violent versus nonviolent husbands: Differences in attachment patterns, dependency, and jealousy. *Journal of Family Psychology*, 11, 314-331.
- Hornung, C. A., McCullough, B. C., & Sugimoto, T. (1981). Status relationships in marriage: risk factors in spouse abuse. *Journal of Marriage and the Family*, 43, 675-692.
- Hotelling, G. T., & Sugarman, D. B. (1986). An analysis of risk markers in husband to wife violence: the current state of knowledge. *Violence and Victims*, 1, 101-124.
- Jacobson, N. S., Gottman, J. M., Waltz, J., Rushe, R., Babcock, J., & Holtzworth-Munroe, A. (1994). Affect, verbal content, and psychophysiology in the arguments of couples with a violent husband. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 982–988.
- Jasinski, J. L. (2001). Theoretical explanations for violence against women. In C. M. Renzetti, J. L. Edleson, & R. K. Bergan (Eds.), *Sourcebook on violence against women* (pp. 5-21). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Johnson, M. P. (1995). Patriarchal terrorism and common couple violence: two forms of violence against women. *Journal of Marriage and the Family*, 57, 283-294.
- Johnson, S. M. (1996). *Creating connection: The practice of emotionally focus therapy marital therapy*. New York: Brunnel Mazel.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9(5), 441–476.
- Kalmuss, D. (1984). The intergenerational transmission of marital aggression. *Journal of Marriage and the Family*, 46, 11-19.
- Kaufman, J., & Ziegler, E. (1987). Do abused children become abusive parents? *American Journal of Orthopsychiatry*, 57, 186-192.
- Khadivzadeh, Talaat., Erfanian, Fateme (2011). Comparison of Domestic Violence Before and During Pregnancy and Related Factors. *Iranian Journal of Midwifery and Infertility*. Vol. 14, No. 4 (in persion)
- Khani, Saeid., Adhami, Jamal., Hatami, Ali., Baniamerian, Javad (2010). Survey of Domestic Violence among Families of Dehgolan; Emphasizing Violence Against Women. *Specialized Journal of Sociology*. Vol. 1, No. 3 (in persion)
- Kim, J. Park, S. and Emery, C.R (2009). “The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health among South Korean Women”. *Korean Journal of Social Welfare*, 24: 193-202
- Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal Personality and Social Psychology*, 60, 861-869.
- Leonard, K. E. & Blane, H. T. (1992). Alcohol and premarital aggression in a national sample of young men. *Journal of Interpersonal Violence*, 7, 19-30.
- Lerner, J. S. & Keltner, D. (2001). Fear, anger, and risk. *Journal of personality and social psychology*, 81, 146-159.

- Maghsodi, Sode., Yari-Nasab, Fateme., Ebrehami, Fateme (2015). Domestic Violence against Pregnant Women and its Affecting Factors (Case Study: Kerman City). Vol. 9, No. 3 (in persion)
- Mason, A., & Blankenship, V. (1987). Power and affiliation motivation, stress, and abuse in intimate relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 203-210.
- Mayselless, O. (1991). Adult attachment patterns and courtship violence. *Fam. Relat.* 40: 21-28.
- Miller, P. A., & Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/ antisocial behavior. *Psychological Bulletin*, 103(3), 324-344.
- Moazami, Shahla (2004). Criminology of Domestic Violence and Murder in Sistan and Baluchistan. *Journal of Women in Development and Politics*. Vol. 2, No. 2 (in persion)
- Moffitt, T. E., Caspi, A., Krueger, R. F., Magdol, L., Margolin, G., Silva, P. A., et al. (1997). Do partners agree about abuse in their relationship? A psychometric evaluation of interpartner agreement. *Psychological Assessment*, 9, 47-56.
- Moffitt, T. E., Robins, R. W., & Caspi, A. (2001). A couple's analysis of partner abuse with implications for abuse-prevention policy. *Criminology and Public Policy*, 1, 5-37.
- Mohammady, Faeze., Mirzaei, Rahmat (2013). Investigating Social Factors Affecting Violence Against Women (Ravansar County Study). *Iranian Journal of Social Studies*. Vol. 6, No. 1. (in persion)
- Murphy, C. M., Meyer, S. L., & O'Leary, K. D. (1994). Dependency characteristics of partner assaultive men. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 729-735.
- Neiazi, Mohsen., Afra, Hadi., Nezadi, Azam., & Sakhaei, Ayob (2018). A meta-analysis of the factors affecting violence against women. *Women's Research, Humanities and Cultural Studies Institute*. Vol. 8, No.4 (in persion)
- Nezadsabzi, Parvane., Maleki, Amir (2010). Family Social Capital and Domestic Violence. *Iranian Journal of Social Issues*. Vol. 1, No. 2 (in persion)
- O'Leary, K. D. (1993). Through a psychological lens. In R. Gelles & D. Loseke (Eds.), *Current controversies on family violence* (pp. 7-30). Newbury Park, CA: Sage.
- O'Leary, K. D., Curley, A., Rosenbaum, A., & Clarke, C. (1985). Assertion training for abused wives: A potentially hazardous treatment. *Journal of Marital & Family Therapy*, 11, 319-322.
- Pornaghash Tehrani, Saeid (2005). A Study of Domestic Violence in Tehran Families, *Daneshvar bi-monthly*. Vol.12, No. 12 (in persion)
- Pornaghash-Tehrani, Saeid., Ghalandarzadeh, Zahra., Farahani, Hojatoallaha., Saberi, Mehdi., Pashaei- Bahram, Masome (2019). The mediating role of self-regulation and psychological distress in the relationship between domestic violence and cognitive functioning in women victims of spouse abuse. *Cognitive Psychological Quarterly*. Vol. 6, No. 3 (in persion).

- Pradeep K. P. (2004). Domestic Violence against Women in Kerala, Kerala Research Programme on Local Level Development, Centre for Development Studies, India.
- Pyke, K. D. (1996). Class-based masculinities the interdependence of gender, class, and interpersonal power. *Gender and Society*, 10, 527-549.
- Richardson, D. R., Hammock, G. S., Smith, S. M., Gardner, W., & Signo, M. (1994). Empathy as a cognitive inhibitor of interpersonal aggression. *Aggressive Behavior*, 20(4), 275–289.
- Rounsaville B. J. (1978) Theories in marital violence: Evidence from a study of battered women. *Victimology*, 3, 11-31.
- Sagrestano, L. M., Heavey, C. L., & Christensen, A. (1999). Perceived power and physical violence in marital conflict. *Journal of Social Issues*, 55, 65-79.
- Sedaghat, Kamran., Zarniean, Jalal (2009). Social factors and domestic violence among families in Tabriz. *Journal of Sociological Studies*. Vol. 26, No. 1 (in persion)
- Shahbazi, Homa., Sadeghi, Mansore-Sadat., Panaghi, Lili (2017). The Role of Humanization in Spouse Abuse from the Viewpoint of Women Victims of Domestic Violence: A Qualitative Study. *Journal of Research Center for Social Factors Affecting Health*. Vol. 4, No, 3 (in persion)
- Shakerinezad, Masome (2013). Factors Related to Domestic Violence Against Pregnant Women. *Journal of Zanjan University of Medical Sciences*. Vol. 21. No. 89(in persion).
- Sharifi, Marziye., Fatehizadeh, Maryam., Bahrami, Fateme.,Etemadi, Ozra., Jazayeri, Rezvanosadat (2017). Exploring the experiences of husbands with interpersonal dependence on their husbands' domestic violence: A qualitative study. *Journal of Urmia Nursing And Midwifery Faculty*. Vol. 15, No. 10 (in persion)
- Shikh-Bardesiri, Hojat., Khademipor, Gholamreza., Aminizade, Mohsen., Fatemeyan, Rohoallah., Dost-Mohammady, Mohammad Mahdi (2017). Factors Related to Domestic Violence Against Women Working in Educational Hospitals Covered by Isfahan University of Medical Sciences in 2016. *Journal of Hospital*. Vol. 17, No. 1 (in persion).
- Smith, M. D. (1990). Patriarchal ideology and wife beating: A test of a feminist hypothesis. *Violence and Victims*, 5, 257-273.
- Stets, J. E., & Straus, M. A. (1989). The marriage license as a hitting license: a comparison of assaults in dating, cohabiting and married couples. *Journal of Family Violence*, 4, 161–180.
- Stith, S. M. (1990). Police response to domestic violence: The influence of individual and familial factors. *Violence and Victims*, 5, 37-49.
- Stith, S. M., Rozen, KH., McCollin, EE., & Thomson. CJ. (2004). Treating intimate partner violence within intact couple relationships: outcomes of multi-couple versus individual couple therapy. *Journal of Marital Family Therapy*. 2004 Jul;30(3):305-18.
- Tafate, R. C., Kassinove, H., & Dundin, L. (2002). Anger episodes in high and low-trait anger community adults. *Journal of Clinical Psycholog*, 58, 1573-1590.

- Vahida, Ferydon., Sabze, Hoseinali., Zakeri, Hamed (2015). Analysis and Investigation of Factors Affecting Marriage in Women and Men. Iranian Journal of Social Issues, Vol. 6, No. 1 (in persion).
- Vameghi, Marve., KHodaei-Ardakani, Mohammadreza., Sajadi, Homeira (2013). Domestic Violence in Iran: A Review of Studies. Social Welfare Research Quarterly. Vol. 13, No. 50 (in persion).
- Vesali, Saeid., Merzaei, Rahmat., Reza, Faraji (2000). Determining the Relationship between Components of Female Obedience and Male Authoritarian Perceptions of Their Role with Domestic Violence. Journal of Health. Vol. 9, No.1. (in persion).
- Visaria, L. (1999). Violence against Women in India: Evidence from Rural Gujarat, Domestic Violence in India: A Summary Report of Three Studies. Washington, DC: International Centre for Research on Women.
- Vogel, D. L., Murphy, M. J., Werner-Wilson, R. J., Cutrona, C. E., & Seeman, J. (2007). Sex differences in the use of demand and withdraw behavior in marriage: examining the social structure hypothesis. Journal of Counseling Psychology, 54, 165-177.
- Wekerle, C., & Wolfe, D. A. (1998). The role of child maltreatment and attachment style in adolescent relationship violence. Development and Psychopathology, 10, 571-586.
- World Health Organization. (2005), Addressing violence against women and achieving the Millennium Development Goals, Department of Gender, Women and Health Family and Community Health.
- Xu, X. (1995). "The Prevalence and Determination of Wife Abuse in Urban China". Journal of Comparative
- Yaghobidost, Mahmood., shahoonvand, Behroz., Jola, Gholamreza (2014). The Relationship between Observation and Experience of Parental Violence in Childhood and Their Domestic Violence Against Children. 6th International Congress of Child and Adolescent Psychiatry, University of Tabriz. (in persion)
- Yllo, K. (1993). Through a feminist lens: Gender, power and violence. In R. J. Gelles & D. R. Loseke (Eds.), Current controversies on family violence (pp. 47-62). Newbury Park, CA: Sage.
- Yllo, K., & Straus M. A. (1990). Patriarchy and violence against wives: The impact of structural and normative factors. In M. A. Straus & R. J. Gelles (Eds.), Physical violence in American families: Risk factors for adaptations to violence in 8 145 families (pp. 383-399). New Brunswick, NJ: Transaction.
- Zanjanizadeh, Homa., Salehabadi, Ebrahim., Jafarian-Yazdi, Neda (2014). The effect of social capital on domestic violence against women in Mashhad. Vol. 9, No. 2 (in persion).

